

The Transmission of Hadith Documents from Qom to Baghdad in the 4th Century: A Study Based on the Chains of Transmission and Teachers of Hasan ibn Hamzah Alawi

Azam Farjami¹

1. Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

azamfarjami@yahoo.com / <https://orcid.org/0009-0009-8817-9394>

Promotional
article

Received:

2024/03/25

Accepted:

2025/01/11

Abstract: *The classification of methods for transmitting and narrating hadith in the early Islamic centuries led to the development of biographical catalogs (rijāl) and scholarly records. One of the most influential figures in al-Rijāl by al-Najashi—the most important Shiite biographical work on hadith transmission chains—is Hasan ibn Hamzah Alawi. His earliest recorded hadith audition (samāʿ) dates back to 300 AH in Tabaristan. Subsequently, until 312 AH, he traveled to Ray and Qom to transmit, hear, and study hadith. During his pilgrimage journeys to Khorasan, Iraq, and the Hejaz in 328 and 356 AH, he both received and relayed hadith narrations. An analysis of the transmission chains (asānīd) documented by al-Najashi and al-Tusi reveals that Hasan ibn Hamzah primarily acquired the books of the Imams' narrators in Qom from Ibn Buṭṭāh and Ali ibn Ibrahim al-Qummi. The findings of this study indicate that, unlike in the 3rd century, the circulation of hadith documents in the 4th century shifted from Iran to Iraq, specifically from Qom and Rayy to Kufa and Baghdad. Thus, in the 4th century, hadith scholars from Kufa, Rayy, Qom, and eventually Baghdad played key roles in the evolution of hadith transmission—acting as transmitters, consolidators, and editors—bridging the tradition into the 5th century.*

Keywords:

DOI:

Hasan ibn Hamzah Alawi, Shiite Hadith History, Hadith Transmission, Qom-based Hadith Scholars.

10.22051/tqh.2024.46195.4106

Publisher:

Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

نحوه انتقال اسناد حدیث از قم به بغداد در قرن چهارم با

تکیه بر اسانید و اساتید حسن بن حمزة علوی

اعظم فرجامی^۱

۱. استادیار گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.



<https://orcid.org/0009-0009-8817-9394>

azamfarjami@yahoo.com

اطلاعات مقاله چکیده

دسته‌بندی طرق انتقال و نقل حدیث، در سده‌های نخستین، سبب شکل‌گیری
فهارس و اطلاعات رجالی شد. یکی از اثرگذارترین شخصیت‌ها در الرجال
نجاشی، مهم‌ترین کتاب رجالی درباره طرق و اسناد احادیث شیعه،
حسن بن حمزة علوی است. سماع او در سال ۳۰۰ قمری در طبرستان ثبت
شده است. سپس تا سال ۳۱۲ در پی نقل، شنیدن یا آموختن حدیث به ری و
قم سفر کرد. همچنین در سفرهای زیارتی خود به خراسان، عراق و حجاز در
سال‌های ۳۲۸ و ۳۵۶ هم حدیث شنید و هم منتقل کرد. طرق اسناد نجاشی
و طوسی نشان داد حسن بن حمزة کتب راویان ائمه را در قم، بیش از همه، از
ابن بطة و علی بن ابراهیم قمی اخذ کرده است. یافته‌های پژوهش نشان داد
گردش اسناد حدیثی در سده چهارم، برعکس سده سوم، از ایران به عراق و به
طور خاص، از قم و ری به کوفه و بغداد بوده است. بنابراین در قرن چهارم
محدثان کوفی، رازی، قمی و نیز سرانجام بغدادی، تحول و تطورات نقل حدیث
را به صورت «انتقال دهنده»، «تثبیت کننده» و «ویرایش گر»، به قرن پنجم
وصل کردند.

صص:

۱۵۹-۱۳۰

مقاله:

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۰۱-۰۶

پذیرش:

۱۴۰۳/۱۰/۲۲

حسن بن حمزة علوی، تاریخ حدیث شیعه، نقل و انتقال حدیث، محدثان قمی

کلیدواژه‌ها:

10.22051/tqh.2024.46195.4106

DOI:

دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

ناشر

۱. مقدمه

تاریخ حدیث شیعه تحولات پر پیچ و خمی پشت سر گذاشته است. بهترین راه برای شناخت این مسیرها، پی گرفتن سفرها و رحلات حدیثی محدثان بزرگ هر قرن است. زیرا محدثان نام‌آور هر سده با انتخاب استادان و شهرهایی که در آن مقیم شدند، به ما نشان می‌دهند که کدام مناطق در دوره‌های خاص تاریخی مرکز علم‌آموزی و گسترش حدیث شیعه بوده است. اهمیت انتخاب این پژوهش پرده برداشتن از صفحات مبهم تاریخ حدیث است و بر مبنای تحلیل داده‌ها و اطلاعات تاریخی و به روش تحلیلی و توصیفی سامان یافته است. حسن بن حمزه علوی یکی از شخصیت‌های اثرگذار در قرن چهارم است که با بررسی اساتید وی در قم و ری و به صورت خاص سفرهای او به عراق و شهرهای بغداد و کوفه، میزان تأثیر وی بر انتقال احادیث مرکز ایران به بغداد بررسی می‌شود. از این‌رو این پژوهش در پی پاسخ‌یابی به این پرسش‌ها است:

۱. با توجه به *الرجال نجاشی و الفهرست* شیخ طوسی، نقل و انتقال کتاب‌ها و احادیث شیعیان در سده چهارم چگونه بوده است؟
۲. دیدگاه‌ها و کتاب‌های حسن بن حمزه در قرن چهارم چه تأثیری در خط سیر نقل احادیث شیعه از مرکز ایران به عراق داشته است؟
۳. اساتید و محدثان قرن چهارم، چگونه و به چه شکل‌هایی در انتقال احادیث، اثر داشته‌اند؟

۲. پیشینه

درباره نقل و انتقال حدیث شیعه در قرن چهارم پژوهش‌هایی انجام شده است. برای نمونه نعمتی و دیگران مقاله‌ای با عنوان «تأثیر مکتب حدیثی کوفه در میراث روایی اشعریان قم تا قرن چهارم هجری» منتشر کرد و به صورت خاص نقش راویان اشعری را بررسی کردند (نعمتی و دیگران، ۱۴۰۰ ش). از سوی دیگر فرجامی در دو پژوهش مستقل، تأثیر ابن قولویه بر انتقال حدیث قم به کوفه و تأثیر حمید بن زیاد در انتقال احادیث کوفیان را بررسی کرده است (فرجامی و عسگری، ۱۳۹۹ ش؛ فرجامی و دیگران، ۱۴۰۰ ش). مفید و دیگران نیز تأثیر فطحیان و به صورت خاص خاندان بنوفضال در انتقال حدیث امامیه را بررسی کردند (مفید و دیگران، ۱۳۹۶ ش). در

پژوهشی دیگر به صورت خاص روی شخصیت شناسی حسن بن حمزه کار شده است (غلامعلی و دیگران، ۱۴۰۳ ش).

با اینهمه آنچه مشخص است در پژوهش‌های پیشین، درباره انتقال حدیث شیعه در «منطقه‌ای خاص» مانند کوفه یا افراد و «دوره‌های متفاوت» بررسی انجام شده است که با بخشی از موضوع پژوهش حاضر ارتباط می‌یابد؛ اما افزون بر آن، این پژوهش بررسی روش اساتید و جغرافیای حضور هر استاد را برای تشخیص گردش و انتقال احادیث شیعه، به صورت ویژه، مد نظر دارد.

۳. ابومحمد حسن بن حمزه علوی (د. ۳۵۸ ق)

۳-۱. شخصیت

به تصریح محققان، اثرگذارترین استاد نجاشی در انتقال طرق و اسناد کتاب‌های حدیثی در *الرجال* نجاشی، ابن نوح سیرافی است که بیشترین تعداد نقل نجاشی از وی وجود دارد (نک: حسن حکیم، ۴۶). ابن نوح نیز در *الرجال* نجاشی، بیش از همه اسناد خود را با واسطه «ابومحمد حسن بن حمزه بن علی بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب^(۴) الطبری العلوی الحسینی» ذکر می‌کند که پس از این به تفصیل توضیح داده خواهد شد. نجاشی و شیخ طوسی به صراحت مرعش یا مرعشی را شهرت و لقب حسن بن حمزه می‌دانند (نجاشی، ۱۴۱۶ ق، ۱۴۱۶، ص ۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۲۲)؛ اما نسب‌شناسان خاندان علوی و سادات، مرعش را لقب جدّ وی، علی بن عبدالله، برمی‌شمارند و اعقاب و نسل‌های فرزندان این خاندان را معرفی می‌کنند که در منطقه گرگان، ساری و مازندران زندگی می‌کردند (سمعی، ۱۹۸۸ م، ج ۵، ص ۲۵۸؛ ابن عنبه، ۱۹۶۱ م، ۳۱۴).

نجاشی وی را از اجلاء و فقیهان طائفه امامیه (نجاشی، ۱۴۱۶ ق، ۶۴) و شیخ طوسی نیز او را زاهد و پارسا، عالم، فاضل و ادیب، عارف و فقیه و صاحب محاسن بسیار توصیف می‌کنند (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ۱۰۳؛ همو، ۱۴۱۵ ق، ۴۲۲). شیخ صدوق (د. ۳۸۱ ق) و شیخ مفید (د. ۴۱۳ ق) بارها از وی روایت نقل می‌کنند و ضمن اسناد،

او را با الفاظی مانند «سیدنا، شیخنا، الزاهد، الشریف، الزکی و الصالح» و نیز «رضی الله عنه» می‌ستایند (صدوق، ۱۳۶۲ش، ۴۲۰؛ مفید، ۱۹۹۳م، ۸، ۲۵۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۳).

اهل ادبیات بودن حسن بن حمزه از برخی اشعاری که از وی در مدح اهل بیت سروده یا نقل کرده، هویدا است (احمد بن عیاش جوهری، بی‌تا، ۴۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶م، ج ۲، ص ۲۶۶).

۲-۳. خاندان حسن بن حمزه علوی

با آنکه نسب‌شناسان، اجداد و پدران حسن بن حمزه را تا امام سجاد^(ع) نام می‌برند؛ اما از بقیه افراد و خاندان وی، اطلاعاتی در دست نیست. جز آنکه در چندین سند متفاوت، محمد بن عبدالله بن حمزه برادرزاده وی، راوی عمویش برای خزاز قمی (۴۰۱ق) است (خزاز قمی، ۱۴۰۱ق، صص ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۹۲). در همه این سندها، حسن بن حمزه همچنان از علی بن ابراهیم روایت می‌کند. همچنین نسب‌شناسان خاندان علوی، از ابو محمد حسن بن حمزه بن علی المرعش یاد می‌کنند که نسب‌شناس و محدث بوده است و نوادگان و فرزندان وی از وی باقی مانده است (ابن عنبه، ۱۹۶۱م، ص ۳۱۴؛ زرباطی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۱۰؛ ج ۴، ص ۵۱۳). گرچه از این نسل و افراد نامی در میان محدثان برده نشده است.

۳-۳. سفرها

از مطالعه اسناد به نظر می‌رسد حسن بن حمزه، کثیر السفر بوده و شهرهای متعددی را دیده و حدیث شنیده یا در آن حدیث گفته است؛ برای نمونه از حضور او در شهرها یا روایت از راویان شهرهای مکه (صدوق، ۱۹۹۲م، ص ۳۲)، قم (مفید، ۱۹۹۳م، ص ۸؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۴)، ری (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۱۸)، قزوین (مفید، ۱۹۹۳م، ص ۳۳)، طبرستان (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۶؛ غضائری، ص ۹۹؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۴)، ساری (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۰)، ورامین (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۵) کوفه و بغداد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۶۴) یاد شده است. حسن بن حمزه در یکی از سفرهای زیارتی خود به مشهد الرضا، قصیده‌ای

سروده که برجای مانده است. او شهرها و مسیرهایی که از آن گذر کرده، نام برده که عموماً مسیر مسافران امروز ایرانیان از شمال به خراسان است و از استان‌های امروزین مازندران، گلستان و خراسان شمالی می‌گذرد (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰ش، ج ۱، صص ۱۲۳-۱۲۵ و نیز برای شرح و توضیح شعر نک: عمادی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۳۶).

۳-۴. سال‌شمار زندگی

درباره سال تولد حسن‌بن‌حمزة اطلاعاتی نداریم؛ اما کهن‌ترین تاریخی که از علم‌آموزی و سماع وی در دست داریم، به زادگاه وی آمل و طبرستان مربوط است. «ابوالعباس احمدبن محمد دینوری» هنگام بازگشت از سفر زیارتی خراسان و امام رضا^(ع) در شهر آمل توقف می‌کند و سال ۳۰۰ قمری همه کتاب‌های حسین‌بن‌سعید اهوازی را برای حسن‌بن‌حمزة روایت می‌کند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۶۰). بدیهی است که وی دانش‌اندوزی در علم حدیث را از زادگاه خود در آغاز قرن چهارم آغاز کرده است.

همچنین یک دهه بعد، حسن‌بن‌حمزة همه کتاب‌های یک استاد ساکن ری به نام «ابوالحسین کوفی محمدبن جعفر بن محمد بن عون اسدی»، را که برای حسن‌بن‌حمزة حدیث گفته، روایت و سپس، تاریخ دقیق درگذشت استادش ابوالحسین را شب پنجشنبه بیستم جمادی الاولی سال ۳۱۲ قمری ذکر می‌کند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۳). ابوالحسین اصالتاً اهل کوفه بوده و نجاشی او و پدرش را ستوده و توثیق کرده است؛ جز آنکه ابوالحسین از راویان ضعیف نقل می‌کرد و به جبر و تشبیه، اعتقاد داشت (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۳). شیخ طوسی، ابوالحسین را یکی از ابواب امام زمان معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۹). نام «محمد بن جعفر اسدی» با نام «محمد بن جعفر بن بطة»، مشترک است و به نظر می‌رسد نجاشی برای رفع ابهام از اشتراک اسمی دو استاد حسن‌بن‌حمزة، هر بار ابوالحسین بوده، نسبت اسدی وی را ذکر کرده است (نک: نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۴۱ و ۳۷۳).

حسن بن حمزه، یک دهه پس از شهر ری، ضمن یک سند گفته سال ۳۲۸ ق. با ابن عقده (۳۳۳ ق) مذاکره علمی داشته است (غضائری، ۱۳۹۹ ق، ص ۱۰۰) و باز هم در همین سال ۳۲۸ ق. به تصریح شیخ طوسی، تلعبیری (۳۸۵ ق) از حسن بن حمزه اولین سماع خود را گزارش کرده است (طوسی، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۲۲). از این رو می-توان گفت در سال ۳۲۸ ق. حسن بن حمزه در شهر بغداد یا کوفه حاضر بوده است.

بنابراین به احتمال زیاد، حسن بن حمزه متولد سال‌های پس از ۲۸۰ قمری است که توانسته در آغاز جوانی در آمل طبرستان و زادگاه خود، در سال ۳۰۰ کتاب‌های حسین بن سعید را سماع کند و پس از آن به مرکز ایران، ری و قم، رفته و در دوره جوانی در شهر ری حاضر باشد و از استادی متوفای ۳۱۲ ق. بهره علمی کامل ببرد و چند سال بعد، در دهه چهارم زندگی خود، به چنان درجه علمی برسد که در کوفه به مذاکره علمی با ابن عقده و تدریس کتاب‌هایش بر تلعبیری دست یابد.

به تصریح رجالیان معاصر حسن بن حمزه، این استاد سرزمین طبرستان، در سال‌های پایان عمر وارد بغداد شد و بزرگان بغداد مانند تلعبیری (۳۸۵ ق)، شیخ مفید (۴۱۳ ق)، غضائری (۴۱۱ ق) و احمد بن عبدون (۴۲۳ ق) و برخی اساتید نجاشی مانند ابن نوح سیرافی، وی را در سال ۳۵۶ ق. و به نقلی دیگر سال ۳۵۴ ق. (طوسی، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۲۲) ملاقات کردند. دو سال بعد، یعنی سال ۳۵۸ ق، این فرد که از خاندان سادات حسینی و از نسل فرزندان امام سجاد بود، درگذشت (نجاشی، ۱۴۱۶ ق، ص ۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۰۳). طبق گزارشی تاریخی متعلق به قرن هفتم، مقبره او مقابل مدرسه رزین شریف در محله ماهی رسته شهر مامطیر (نام کهن بابل) واقع و مورد احترام بوده است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰ ش، ج ۱، ص ۱۲۳).

۳-۵. کتب و آثار علمی

نجاشی هشت کتاب و شیخ طوسی دو کتاب حسن بن حمزه را نام می‌برند (نجاشی، ۱۴۱۶ ق، ص ۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۰۳). ظاهر عناوین کتاب‌های

حسن بن حمزه بر فقه و علم فقه دلالتی ندارد؛^۱ بالاین همه، نجاشی و شیخ طوسی هر دو، او را «فقیه امامی» می خوانند.

۳-۵-۱. آراء فقهی

به نظر می رسد یکی از آراء فقهی حسن بن حمزه دیدگاه عددیه بودن ماه رمضان، در مقابل دیدگاه کنونی رؤیتی بودن هلال ماه عید فطر، است که در سده چهارم بسیاری از فقهای امامیه به آن معتقد بودند و دیدگاه مشهوری بوده است. دیدگاه عددیه ماه رمضان بر اساس برخی روایات ائمه است که کلینی و صدوق آن را ذکر کردند و دلالت دارد که ماه رمضان هیچ گاه کمتر از سی روز نمی شود (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۷۸؛ صدوق، ۱۳۶۲ش، ص ۵۲۹) و بر این اساس برای انجام مناسک عید فطر نیازی به رؤیت هلال ماه نیست. برای نمونه در کتابی از شیخ مفید آمده است: «حسن بن حمزه، ابن قولویه، شیخ صدوق، برادر شیخ صدوق و تلکبری بر عددی بودن ماه رمضان اجماع دارند و بر آن فتوا می دهند» (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۳). همه کسانی که در این سند تاریخی به عنوان مدافع دیدگاه عددی، نام برده شدند، از محدثان قم و ری بودند یا افرادی مانند تلکبری از کوفیان متأثر از محدثان قمی بوده است.

در بغداد قرن چهارم نیز همین دیدگاه عددیه رایج بود، تا آنکه در سده پنجم رفته رفته دیدگاه رؤیتی پیروز و غالب شد (برای مطالعه بیشتر نک: فرجامی و عسگری، ۱۳۹۹ش، ص ۱۰۷). شیخ مفید با آنکه خود ابتدا از مروجان دیدگاه عددیه بود، از آن اعتقاد بازگشت و دیدگاه رؤیت هلال ماه عید فطر را برگزید و شاگردانش مانند شیخ طوسی به شدت آن را ترویج دادند و بر آن پای فشردند (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۷۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۴). به هر روی امروزه از کتابهای فقهی حسن بن حمزه و نیز دیدگاه های صاحبان نظریه عددیه، اثری باقی نمانده است.

^۱ این کتابها عبارت هستند از: کتاب المبسوط فی عمل یوم و لیلۃ، کتاب الأشقیة فی معانی الغیبة، کتاب المفتخر، کتاب فی الغیبة، کتاب جامع، کتاب المرشد، کتاب الدر، کتاب تباشیر الشریعة.

۳-۵-۲. امام زمان و اعمال مستحبی

نام یکی از کتاب‌های حسن بن حمزة کتاب *المبسوط فی عمل یوم و لیلة* است. نوشتن کتاب‌هایی با موضوع اعمال روز و شب (کتاب یوم و لیلة) امری رایج بوده و در شرح حال ده‌ها راوی و محدث امامی دیده می‌شود (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۳ و ۹۱ و ۱۲۴ و ...). از توضیح شارحان کتاب‌های رجالی به دست می‌آید که این دست کتاب‌ها به اعمال عبادی روزانه می‌پردازند (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۱۷ق، مقدمه ص ۶).

کتاب *الأشفیة فی معانی الغیبة و کتاب فی الغیبة* نام دو کتاب دیگر حسن بن حمزة است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۶۴). بنابراین، می‌توان گفت هر سه کتاب حسن بن حمزة درباره اعمال و آداب مستحبی شب و روز و نیز مسئله غیبت بوده است. برخی از روایات و پاره‌هایی از این سه کتاب حسن بن حمزة در میان روایات کتاب‌های نویسندگان قرن پنجم به بعد باقی مانده است؛ از جمله:

الف - شیخ طوسی روایتی را از حسن بن حمزة از علان کلینی نقل می‌کند که محمد بن زیاد صیمری با نامه‌نگاری از امام زمان درخواست کفن تبرکی دارد و امام ضمن ارسال کفن، سال وفات صیمری را پیش‌بینی می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۷). این ماجرا را کلینی از دایی خود، علان کلینی، با اختلافاتی گزارش کرده و شیخ طوسی نیز روایت کلینی را دوباره تکرار کرده است (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۵۲۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۴). از این رو احتمال دارد کتاب *الغیبة* حسن بن حمزة یا پاره‌هایی از آن در دست شیخ طوسی بوده که ماجرا را به نقل حسن بن حمزة نیز آورده است.

ب - افزون بر آن، به نظر می‌رسد برخی روایات کتاب *المبسوط فی عمل یوم و لیلة* حسن بن حمزة، در منابع قرون میانی باقی مانده باشد؛ برای نمونه ابن طاووس دو روایت از وی درباره ذکر سجده بین اذان و اقامه ذکر می‌کند (ابن طاووس، بی‌تا، ص ۱۵۲).

۴. تأثیر بر انتقال طرق کتاب‌ها

اشاره شد اثرگذارترین استاد ابن نوح در *الرجال* نجاشی، حسن بن حمزة علوی است. برای سنجش میزان تأثیر حسن بن حمزة در این نقل و دست به دست شدن اسناد، یکایک سندهای *الرجال* نجاشی بررسی و واکاوی شد تا الگوی ثابت نقلیات حسن بن حمزة و نیز تعداد آنها به دست آید. سپس به صورت استشهاد و کمکی از *الفهرست طوسی* یاری گرفته شد.

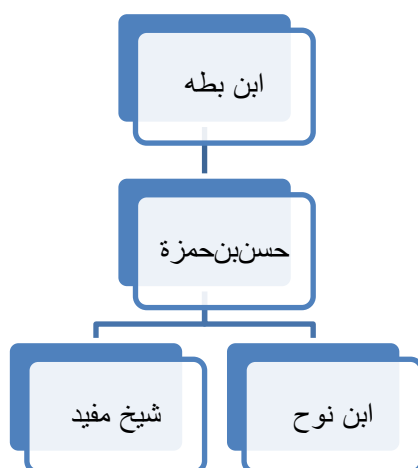
۴-۱. طرق نجاشی

نجاشی در شرح حال صد و دو راوی از طریق حسن بن حمزة استفاده می کند. این اسناد معمولاً با نقل ابن نوح از حسن بن حمزة است و گاه شیخ مفید استاد واسطه نجاشی است. در مواردی نیز عبارت مبهم «جماعة» و «عدة من اصحابنا» را قبل از نام حسن بن حمزة یاد می کند که احتمالاً به «ابن نوح یا شیخ مفید» بازگشت دارد.

پس از شمارش و بررسی یکایک راویان اسناد نجاشی چنین به دست آمد که در نود درصد موارد، حسن بن حمزة با نقل از محمد بن جعفر بن بطة کتابها و طرق راویان به دست ابن نوح و نجاشی رسانده است (نک: نجاشی، ۱۴۱۶ق، صص ۲۳، ۲۹، ۳۷، ۴۷، ۵۰، ۵۴، ۵۶، ۶۱، ۶۳، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۶).

الگوی ثابت طرق نجاشی برای حسن بن حمزة

۱۹۹، ۲۰۵، ۲۲۵، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۲۷، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۵۰، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۳، ۴۰۵، ۴۱۴، ۴۲۳، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۹). پراکندگی اسناد نجاشی از حسن بن حمزة از ابن بطة از راویان ابتدای کتاب تا راویان انتهایی *الرجال* به صورت منظم ادامه دارد که نشان می دهد نجاشی همواره هنگام نگارش کتابش، *فهرست* کتابهای حسن بن حمزة از ابن بطة را جلوی چشم داشته و بدان توجه می کرده است.



برخی رجال‌شناسان معاصر معتقدند نجاشی هیچ سندی را از ابن‌بطه، جز از طریق حسن بن حمزة نقل نکرده است (ابطحی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۸ شرح). ابن -بطه اهل قم و دارای جایگاهی بالا در این شهر بوده است و کثیر الادب و الفضل و العلم توصیف شده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۳). با این‌همه رجالیان بر نقل ابن‌بطه از چند جهت خرده گرفتند. گفته شده او در نقل حدیث تساهل داشته به گونه‌ای که ابتدای سندها را به سبب اجازه‌نامه‌هایش انداخته و معلق کرده و در فهرست کتاب‌هایی که نقل کرده، غلط فراوان داشته است؛ از این‌رو ابن‌ولید وی را در اسنادی که ابن‌بطه ارائه می‌دهد، ضعیف و مخلط وصف کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۳).

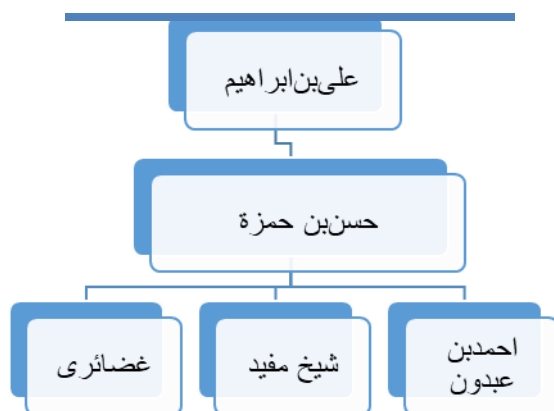
بقیه طرق نجاشی به حسن بن حمزة، به علی بن ابراهیم قمی می‌رسد که نزدیک ده درصد کل طرق نجاشی به حسن بن حمزة است (نک: نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶، ۲۶، ۱۱۶، ۲۰۰، ۲۱۶، ۲۶۰، ۲۷۸، ۳۲۷، ۴۴۴). تنها استثناء روایت حسن بن حمزة از نوه برقی (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۲۹، ۳۳۵)، محمد بن جریر بن رستم طبری (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۶) و ابوالحسین کوفی (۳۱۲ ق) (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۳) است که احتمالاً حسن بن حمزة خود این اساتید را دیده و نیاز به ارجاع و نقل از ابن‌بطه یا واسطه دیگری نداشته است.

۴-۲. طرق شیخ طوسی

شیخ طوسی به تعداد بسیار کمتر، حدود پانزده طریق را، به گزارش حسن بن حمزة نقل و معمولاً با وساطت سه استادش، «شیخ مفید، احمد بن عبدون و بیشتر حسین بن عبیدالله غضائری»، روایت می‌کند.

در همه طرق کتاب‌هایی که شیخ طوسی از حسن بن حمزة نام برده، استاد وی، علی بن ابراهیم است (طوسی، ۱۴۱۷ق، صص ۳۶، ۵۱، ۸۷، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۸۰، ۲۳۶، ۲۴۸) و تنها در یک مورد حسن بن حمزة از نوه دختری برقی، کتاب‌های برقی را روایت کرده است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۴).

الگوی ثابت شیخ طوسی به اسناد و طرق حسن بن حمزة



گرچه شیخ در کتاب‌های حدیثی خود اندکی تغییر رویه داده و به جز احادیث و طرقی که از حسن بن حمزة به علی بن ابراهیم می‌رساند، گاه با واسطه حسن بن حمزة از احمد بن ادريس نقل می‌کند (برای نمونه نک: طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۴۶؛ ج ۴، صص ۳۲۴ و ۳۲۷).

۵. انتقال اسناد حسن بن حمزة به عراق

توجه به تاریخ سماع حسن بن حمزة و درگذشت اساتید او نشان می‌دهد وی بیشتر عمر خود را در مرکز ایران علم آموخته و در شهرهای ری، قم، خراسان و گاه زادگاهش طبرستان به شنیدن یا پراکندن حدیث پرداخته است. باین‌همه به‌نظر می‌رسد راه

تماس حسن بن حمزه با اساتید عراق و بغداد و فرصت انتقال اسناد قمی او در سفرش به بغداد فراهم شده است. تنها دو سفر کوتاه از وی به عراق و شهرهای بغداد و کوفه در منابع ثبت شده است که در آنجا حدیث شنیده یا از وی سماع شده است. از این رو به صورت خاص سه استاد عراقی و حجازی حسن بن حمزه بررسی و معرفی می شوند.

۵-۱. اساتید عراقی حسن بن حمزه

بی تردید حسن بن حمزه بیش از یک بار به عراق و بغداد سفر کرده است. زیرا خودش ضمن سندی گفته در سال ۳۲۸ ق. در کوفه ابن عقده را دیده و سپس به تصریح نجاشی سی سال بعد او، وارد بغداد شده و دو سال قبل از مرگ، هر آنچه علم حدیث جمع کرده، در بغداد یاد داده است. از آن روی که بیشتر مسلمانان سفر حج را حداقل یک بار در طول عمر خود به جای می آورند، به احتمال زیاد حسن بن حمزه نیز در جوانی به این قصد به عراق و سپس حجاز و مکه رفته است. به ویژه که وی در سندی تصریح می کند این روایت را در شهر «مکه» شنیده است.

۵-۱-۱. ابن عقده (۲۴۹-۳۳۳ ق)

حسن بن حمزه ضمن سندی تصریح می کند که ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید مشهور به ابن عقده را دیده و از او مسئله ای رجالی پرسیده است. در گزارش حسن بن حمزه آمده: «در سال ۳۲۸ با ابوالعباس ابن عقده گرد آمده بودم که از او درباره تعداد برادران زراره پرسیدم» (غضائری، ۱۳۹۹ ق، ص ۹۹). مکان این اجتماع مشخص نیست زیرا احتمال حضور ابن عقده در هر دو شهر کوفه و بغداد وجود دارد و احتمالاً این سفر اول حسن بن حمزه به قصد زیارت خانه خدا بوده است. باین همه هیچ نقل یا حدیثی از حسن بن حمزه از ابن عقده در دست نیست. احتمال دارد بسیاری از روایات حسن بن حمزه از اساتیدش به دست ما نرسیده و نقلیات وی از ابن عقده از این دسته باشد. ابن عقده محدث مشهور کوفه و جارودی مذهب است که چند سالی نیز در بغداد مقیم بوده و از سوی محدثان شیعه و سنی توثیق شده است (نجاشی، ۱۴۱۶ ق، ص ۹۴؛ طوسی، ۱۴۱۷ ق، ص ۷۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۲۲۰).

۵-۱-۲. ابوغانم اسماعیل بن عبدالرحمن حارثی

در یک سند حسن بن حمزة از ابوغانم در شهر مکه روایت کرده است (صدوق، ۱۹۹۲م، ص ۳۲). این استاد با وجود جستجو با اسامی متفاوت، در هیچ منبع شیعه و سنی شناسایی نشد. سندی که صدوق این راوی را نام می‌برد، سند شگفتی است از آن جهت که صدوق روایت آن سند را با شش طریق و استاد متفاوت گزارش می‌کند و برخی راویان انتهایی سند در این شش طریق، ثابت هستند و چندین بار در اسامی این راویان تصحیف و تحریف رخ می‌دهد. برای نمونه «عبدالله بن محمد بلوی» به عبدالله بن مجری بلوی و عبدالله بن محمد علوی و نیز «ابراهیم بن عبيدالله» به ابراهیم بن عبدالله تصحیف شده‌اند (همانجا). بنابراین احتمال تصحیف در کنیه، اسم یا نسب ابوغانم اسماعیل بن عبدالرحمن حارثی بسیار بالاست که سبب شده نام اصلی راوی پنهان شود و امکان شناسایی او فراهم نشود.

۵-۱-۳. ابوجعفر احمد بن مابنداد اسکافی (ز ۲۸۷ ق)

حسن بن حمزة یک بار از این استاد با ضبط «احمد بن مابنداد» یاد و نقل کرده است (ابن طاووس، بی تا، ص ۱۵۲) که قطعاً اشتباهی در ضبط اسم پدر وی رخ داده است. رسم الخط و ضبط‌های دیگری مانند «احمد بن مابنداد»، «احمد بن مابنداد»، «احمد بن مابنداد»، «احمد بن مابنداد»، «احمد بن مابنداد» و «احمد بن مابنداد» برای این استاد حدیث گزارش شده است (نک: ابن قولویه، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۴۴؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۵۲؛ نجاشی، ۱۴۱۶، ۲۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق، ص ۳۴۹؛ صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۶۱). این اختلافات نشان می‌دهد درباره اسم پدر این راوی «اضطراب» وجود دارد و دقیقاً مشخص نیست کدام درست است. آنچه مشخص است مابنداد نامی ایرانی بوده و از کاربردهای اسامی مشابه برمی‌آید ترکیبی از «ماه بنداد/ ماه بنداد» است (ابونعیم اصفهانی، ج ۱، ص ۵۲ و ۲۳۱) که تخفیف به مابنداد و باز هم تخفیف و تحریف به «بنداد» در آن رخ داده است؛ مشابه آن، اسم راویان ایرانی «مهر بنداد/ مهر بنداد» است (بلاذری، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۱).

ابوعلی اسکافی محدث مشهور شیعه (۲۵۸-۳۳۲ق)، خواهرزاده احمدبن مابنداد است. اسکاف ناحیه‌ای در بغداد بوده که مردم آن از روستاهای عراق بوده‌اند (در فهرست منابع، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۱۴۹). باین‌همه مشخص نیست ابوعلی اسکافی و دایی وی، احمدبن مابنداد، که اسامی آنها و اجدادشان نشان می‌دهد ایرانی‌الاصل هستند، در چه سالی و از کجا به منطقه اسکاف بغداد کوچ کردند.

احمدبن مابنداد در ضمن سندی تعریف کرده که پدرش نخستین فرد خاندانشان بوده که از دین مجوس به اسلام گرویده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۹). مابنداد برادرش سهیل را نیز به اسلام دعوت کرده است؛ نوه سهیل همان ابوعلی اسکافی محمدبن همام بن سهیل بن بیزان (۲۵۸-۳۳۲ق)، دانشمند مشهور شیعه است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۸۰؛ سمعانی، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۴۳۰). ابوعلی اسکافی مکرر از دایی و پسرعموی پدر خود، احمدبن مابنداد اسکافی، روایت نقل کرده است (ابن - طاووس، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۵) که بیشتر آنها به موضوع امام زمان و نواب اربعه بازگشت دارد و نعمانی ده‌ها خبر آن را گزارش کرده است (برای نمونه نک: نعمانی، ۱۴۲۲ق، صص ۱۵۲، ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۶، ...). در این روایات ضمن سندی آمده احمدبن مابنداد سال ۲۸۷ قمری برای ابوعلی اسکافی حدیث گفته است (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۵۷). بنابراین ما نام جدّ احمد را می‌توانیم چنین کامل کنیم:

«احمدبن مابنداد بن بیزان» و احتمالاً احمد، نخستین کاتب و فرد برجسته خاندان اسکافی است که نژادی ایرانی دارند و در بغداد پایگاه حدیث شیعه را تشکیل دادند. از آنجا که احمدبن مابنداد مکرر از احمدبن هلال کرخی عبرتایی (۲۶۷ق) نقل روایت دارد و پسر خواهرش، ابوعلی اسکافی (۳۳۲ق) از وی نقل کرده، احتمالاً تاریخ درگذشت احمدبن مابنداد بین تاریخ وفات استاد و شاگردش قرار دارد و قبل از شروع قرن چهارم و در انتهای سده سوم درگذشته است.

از سفر و اقامت احمدبن مابنداد در شهرهای شمال یا مرکز ایران گزارشی نیست؛ بنابراین به گمان زیاد حسن بن حمزه، در بغداد از وی حدیث شنیده و قبل از سال ۳۵۶ق. و در آغاز جوانی به بغداد سفر دیگری داشته است که به تصریح نجاشی در این سال بسیاری از علمای بغداد از وی سماع کردند. معمولاً سفرهای آغازین عالمان،

به سبب سفر حج بوده است و چه بسا حسن بن حمزه نیز در همین سفرها با احمد بن مابنداد برخورد داشته است.

۶. اساتید حسن بن حمزه

برای درک بهتر از نحوه علم‌آموزی و گردش اسناد حدیث در قرن چهارم، همه اساتید حسن بن حمزه مورد توجه قرار گرفته و دسته‌بندی شد. بر این اساس، تمامی اسناد و احادیث حسن بن حمزه در کتب و منابع حدیث جمع‌آوری و مطالعه شد. اطلاعات مربوط به وثاقت یا ارزیابی رجالیان درباره هر استاد نیز بررسی شد. خلاصه وضعیت اساتید حسن بن حمزه که عموماً از محدثان برجسته سده چهارم هستند، در جدول زیر آمده است.

جدول مشخصات اساتید حسن بن حمزه

نام استاد	وضعیت رجالی	منطقه جغرافیایی	کتاب باقیمانده	سفر به بغداد
۱. ابوبکر محمد بن فضل بن حاتم طبری	مجهول	طبرستان - آمل	صفر	نامشخص
۲. ابوالعباس احمد بن محمد بن اسحاق دینوری	ممدوح ^۲	کرمانشاه- سفر به طبرستان	صفر	نامشخص
۳. ابوجعفر محمد بن حسین بن درست سروی	مهمل	ساری	صفر	نامشخص
۴. یوسف بن محمد طبری	مهمل	طبرستان	صفر	نامشخص
۵. ابوجعفر محمد بن امیدوار طبری	مهمل	طبرستان	صفر	نامشخص

^۲. نک: ابن ملقن، ۷۹.

نامشخص	سه	طبرستان ری -	ثقه ^۳	۶. ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم آملی طبری
نامشخص	صفر	کوفی - ساکن ری	ثقه ^۴	۷. ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی
نامشخص	صفر	ری	ممدوح ^۵	۸. محمد یزداد رازی
مقیم	یک	ری	ثقه ^۶	۹. ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی
نامشخص	صفر	ری	ثقه ^۷	۱۰. علان کلینی
نامشخص	صفر	ری	مهمل	۱۱. ابوالقاسم نصر بن حسن ورامینی
نامشخص	صفر	قم	ممدوح ^۸	۱۲. ابوجعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بُطّة قمی
نامشخص	صفر	نزیل قم	ثقه ^۹	۱۳. ابوجعفر محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی

۳. نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۷۶.

۴. نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۷۳.

۵. کشی، ۸۱۲.

۶. نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۷۷؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱۳۶.

۷. نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۶۰.

۸. نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۷۳.

۹. ابن غضائری، ۱۱۷، نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ۲۳۷؛ همو، ۱۴۱۵ق، ۴۳۹.

نامشخص	یک	قم	ثقه ^{۱۰}	۱۴. علی بن ابراهیم قمی
نامشخص	صفر	قم	ثقه ^{۱۱}	۱۵. ابوعلی احمد بن ادریس اشعری قمی
نامشخص	صفر	قم	مجهول	۱۶. نوه دختری برقی / فرزند ماجیلویه
نامشخص	صفر	قم	مجهول	۱۷. نوه پسری برقی
نامشخص	صفر	قم	ثقه ^{۱۲}	۱۸. پسر حمیری
نامشخص	صفر	خراسان	ممدوح ^{۱۳}	۱۹. ابوالحسن علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری
نامشخص	صفر	خراسان	ثقه ^{۱۴}	۲۰. ابوالحسن علی بن فضل بن طاهر بلخی
نامشخص	صفر	قزوین	ثقه ^{۱۵}	۲۱. ابوالحسن علی بن حاتم بن ابی حاتم قزوینی
مقیم	صفر	کوفه و بغداد	ثقه	۲۲. ابن عقیده ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید

۱۰. نجاشی، ۱۴۱۶، ق، ۲۶۰.

۱۱. طوسی، ۱۴۱۵، ق، ۳۹۷، ۴۱۱، نجاشی، ۱۴۱۶، ق، ۹۲.

۱۲. نجاشی، ۱۴۱۶، ق، ۳۵۵؛ طوسی، ۱۴۱۷، ق، ۲۳۷.

۱۳. طوسی، ۱۴۱۵، ق، ۴۲۹.

۱۴. دارقطنی، ۲۰۰۴، م، ۱۷۵/۱، ۱۷۶، ۴۴۶؛ ۱۴۰۵، ق، ۶۰/۱.

۱۵. طوسی، ۱۴۱۵، ق، ۴۳۲.

نامشخص	صفر	مکه	مهمل	۲۳. ابوغانم اسماعیل بن عبدالرحمن حارثی
مقیم	صفر	اسکاف بغداد	مجهول	۲۴. ابوجعفر احمد بن مابنداد اسکافی

توجه به چرخش اسناد و احادیث اساتید حسن بن حمزة نشان می دهد زمانی که او در کهنسالی وارد بغداد می شود و اسناد نابی از محدثان انتهای سده سوم و ابتدای سده چهارم ارائه می دهد، از بین احادیث و استادان وی، بیش از همه از نقلیات وی از محدثان قمی مانند ابن بطه و علی بن ابراهیم قمی استقبال می شود. زیرا هر دو رجال شناس و صاحب طرق کتابهای راویان کهن قرن دوم و سوم بودند. از این رو محدثان بغداد از این اسناد عالی فراوان بهره بردند که واسطه کمتری می خورد و راه سفر آنها به قم را کوتاه می کند. بنابراین در سال ۳۵۶ ق. او دیگر به علم آموزی و نقل از اساتید بغداد و کوفه نپرداخته و تنها عرضه علم داشته است.

۷. اقامت در بغداد سبب ماندگاری آثار

نگاهی اجمالی به بیست و چهار استاد حسن بن حمزة در منابع حدیث شیعه نشان می دهد تنها افرادی که از مدارس حدیثی خود به «بغداد» و گاه ری کوچ کردند، توانستند با نقل شاگردانشان، کتابهای حدیثی خود را بقا ببخشند و اکنون به دست ما برسانند. نمونه بارز این وضعیت شیخ کلینی است که از ری و قم به بغداد آمد و کتاب بزرگ او، *الکافی*، یکی از چهار کتاب حدیثی امامیه شود. حسن بن حمزة نیز تا قبل از ورود به بغداد نامور نبود و نقلیات اندکی از وی در کتب حدیث ثبت شده است و شاید تنها منقولات شیخ صدوق از وی، متعلق به قبل از ورود او به بغداد باشد.

درباره اساتید دیگر، گاه توثیق و مدح و صاحب آثار بسیار بودن مطرح شده است؛ اما تنها کتب آنهایی به دست ما رسیده است که در سده چهارم در شهرهای بزرگ پایتخت جهان اسلام مقیم شدند. برای نمونه: درباره علی بن حاتم قزوینی گفته شده بسیار کتاب داشت و به تعداد ابواب فقه صاحب اثر بود و حتی نام کتابهای وی یک به یک ذکر شده است؛ اما به نظر می‌رسد عدم اقامت او در بغداد، مانع رواج و ماندگاری آثارش شد. در نمونه دیگر ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی از زاهدان و صالحان ری بوده که مکرر در توثیق و معتمد بودن وی، از امام زمان نامه رسیده است؛ اما دایره شهرت و ماندگاری منقولات و فتاوا و آثار او به بغداد نرسید و ماندگار نشده است؛ حتی شهرت و وثاقت اسدی نه بر اساس کتب رجال، که بر اساس کتابهای الغیبة نگاری به دست می‌آید.

۸. دسته‌بندی محدثان قرن چهارم

مطالعه جدول و جزییات زندگی اساتید نشان می‌دهد ما به سه دسته استاد در سده چهارم روبرو هستیم:

الف - استادان انتقال‌دهنده: محدثان و اساتیدی که منتقل‌کننده طرق و اسناد احادیث به شهرها و مدرسه‌های دیگری هستند. این افراد در سه گروه دیده می‌شوند.

اول: محدثان «مهاجر» و رجال حدیثی که اسناد را از مکانی به مکان دیگر بردند. علی بن ابراهیم قمی و پدرش نمونه مشهوری هستند که اسناد راویان «کوفه» را به مرکز ایران، «قم و ری»، منتقل کردند. در جهت عکس، کلینی این اسناد کوفی را گاه با واسطه راویان قمی و رازی، به «بغداد» آورد و منتقل‌کننده اسناد کوفیان از قم و ری به بغداد بود. ابوالحسن علی بن ابی‌سهل حاتم قزوینی نیز از کسانی است که احادیث قزوین و قم را به کوفه برد. بی‌تردید حسن بن حمزة نیز یکی از بزرگترین انتقال‌دهندگان احادیث قم و ری به بغداد است.

دوم: «فرزندان بزرگان»، نیز نوعی انتقال‌دهنده حدیث محسوب می‌شوند؛ زیرا اسناد و کتابهای منتشر نشده پدر و بزرگ خاندان خود را به «نسل و قرن بعد»

منتقل کردند. خاندان برقی، اعم از نوادگان دختری و پسری برقی (۲۷۴ ق) و نیز پسر حمیری از زمره این گروه هستند.

سوم: برخی از اساتید منتقل کننده طرق کتابها و اسناد حدیث شیعه در سده چهارم، «محدثان غیر امامی» هستند که گاه زیدی و گاه سنی محسوب می شدند. این افراد به سبب گرایش های شیعی در مجالس درس محدثان امامی رفت و آمد داشتند و سال ها بعد این اسناد گرانبها را به طالبان نسل بعد در شهرهای مختلف ایران یا عراق، منتقل کردند. ابوبکر محمد بن فضل طبری، ابوالحسن بلخی و ابوالعباس دینوری در شمار محدثان غیر امامی منتقل کننده اسناد هستند که حسن بن حمزه از آنان برخی طرق کتابهای مهم مثل کتب حسین بن سعید اهوازی یا احادیث و کتب حضرت عبدالعظیم حسنی را گرفته است. قطعاً یکی از بزرگترین انتقال دهندگان غیر امامی نیز ابن عقده است؛ زیرا او با نگاشتن کتاب *الرجال حاوی* امام صادق (ع)، بسیاری از کتب و احادیث راویان کوفی مذهب (شیعه عام) را به شیعه امامیه منتقل و معرفی کردند.

ب- استادان تثبیت کننده: بسیاری از اساتید حسن بن حمزه و به طور کلی محدثان سده چهارم، احادیث و کتب و اسناد منتقل شده از "کوفه"، "قم" یا "ری" را تکرار و بازگویی کردند. در این تثبیت و تحکیم احادیث گاهی نقل ساده و باز نشر کتب و احادیث رخ داده است؛ گاهی توضیح و روشن کردن فهم احادیث صورت گرفته و گاه دسته بندی طرق و اسناد و فهرست نگاری کتابهای راویان شیعی انجام شده است. از میان محدثانی که شرح حال آنها را می دانیم و مهمل نیستند، ابوالحسین اسدی به نقل و نیز فتوا دادن و شرح احادیث پرداخته، ابن بطه به دسته بندی طرق و فهرس نگاری بر آنها مشغول بوده و علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری نیز از ناقلان اخبار و روایات، به صورت خاص فضل بن شاذان نیشابوری محسوب می شود.

ج- ویرایش گر: برخی از اساتید حدیثی، اخبار و احادیث را در بست نمی پذیرفتند، بلکه آنها را جرح و تعدیل و ویرایش می کردند. ابن ولید از جمله اساتید قمی است که برخی از اخبار و روایات راویان را نقد می کرد و نمی پذیرفت (برای

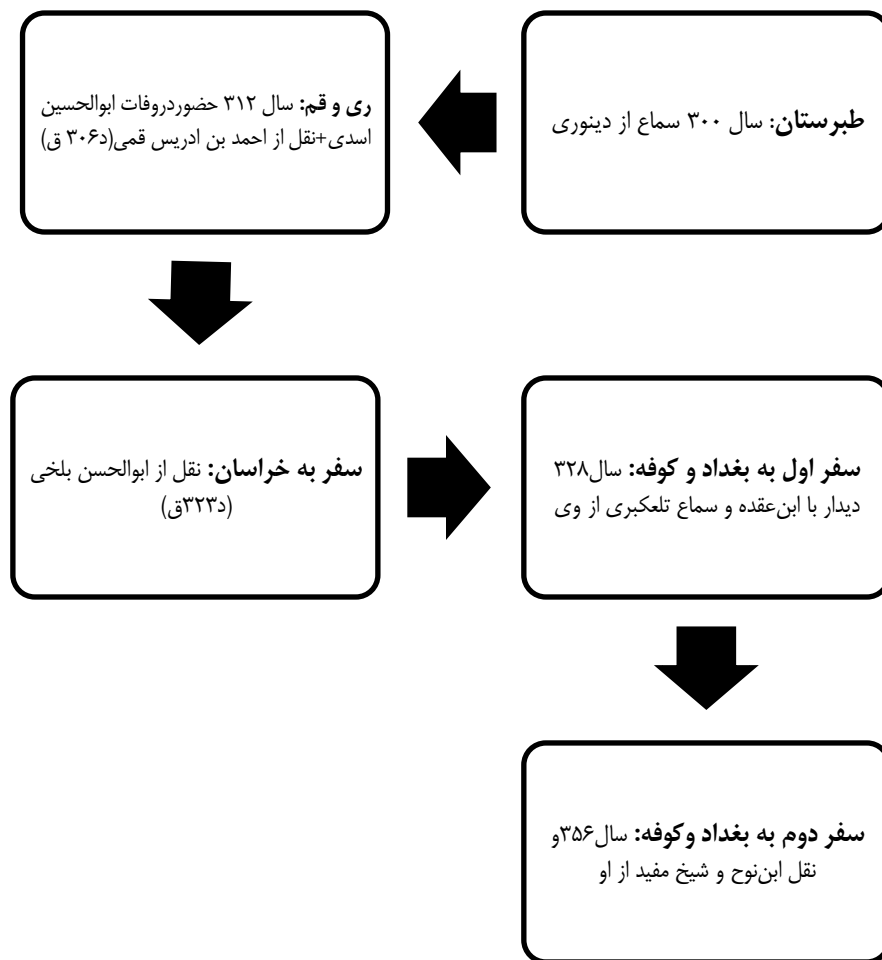
اطلاعات بیشتر درباره جرح و تعدیل و داوری‌های ابن‌ولید نک: فرجامی، ۱۴۰۳ش). او به جز رجال و سندشناسی، حتی در فقه، آراء خاص و منحصر به فرد داشت که شاگردش شیخ صدوق بدان پایبند بود و سبب تفاوت برخی فتاوی فقهی آن دو با فقه‌های بغداد شده است. این افراد ناقد، در شمار اساتید حسن بن حمزة بسیار اندک هستند. اما در سده‌های بعدتر، شیخ مفید و سپس شیخ طوسی از ویرایش‌گران سترگ اعتقادات و فقه امامیه محسوب می‌شوند.

نتیجه‌گیری

از آنجا که سفر اول حسن بن حمزة به بغداد، قصد زیارت بوده تا علم‌آموزی، احادیث زیادی از وی در این سفر نخستین به بغداد باقی نمانده یا نقل نشده است. تنها سه حدیث وی از سه استاد بغدادی و کوفی و مکی گزارش شده است. احتمال دارد احادیث و اسنادی که حسن بن حمزة از این سفر به دست آورده، نزد نویسندگان و راویان بعدی وجود داشته و از این رو مورد اقبال و باز نشر قرار نگرفته است. یا در احتمال دوم می‌توان گفت اهمیت نقلیات حسن بن حمزة به احادیث و طرّقی است که او از «محدثان قم و ری» در اختیار داشته؛ زیرا در زمان و مکان مناسبی برای جابجایی این اسناد قرار داشته است.

نمودار این تغییرات با توجه به سال شمار زندگی حسن بن حمزة در شکل زیر آمده است:

نمودار سال شمار سفرها و زندگی حسن بن حمزه علوی



از سوی دیگر آثار حسن بن حمزه با آنکه صاحب کتاب بوده و نظریه عددیه را، دیدگاه فقهی رایج قرن سوم و چهارم درباره هلال ماه رمضان، باور داشته، به سبب سکونت اندک در بغداد، ماندگار نشده است. تنها برخی احادیث کتابهای او درباره غیبت امام زمان و مستحبات در نوشته‌های شیخ طوسی و ابن طاووس باقی مانده است. به نظر می‌رسد نگارش کتابهای سده سوم و چهارم در قم و ری تک‌نگاری بوده که مانند کتابهای صفار و حمیری اندکی از آنها به دست ما رسیده است یا مجموعه چند جلدی از احادیث مانند/المحاسن برقی بوده که به صورت ناقص رسیده

است. چنین به دست می‌آید بعد از انتقال حدیث قم به بغداد در اواخر سده چهارم، محدثان بغدادی ماندگارترین و مهم‌ترین احادیث شیعه را نگاشتند. نمونه روشن آن جدال و برخورد محدثان قم و بغداد و فقهای سده چهارم و پنجم درباره دیدگاه عددیه و رؤیتی بودن ماه رمضان است. بنابراین به نظر می‌رسد ما اکنون بیش از همه میراث بر اعتقادات فقهی، کلامی و روش نقل احادیث محدثان بغدادی از قرن پنجم به بعد هستیم.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت حدیث شیعه در سده سوم از کوفه به قم و در سده چهارم از قم و ری و نیز خراسان به بغداد انتقال یافت. زیرا محدثان یا مهاجرانی مانند علی بن ابراهیم قمی بودند که از سرزمینی به دیار و بلاد دیگر کوچ کردند و خاندان حدیثی تشکیل دادند یا بزرگ‌زادگانی مانند فرزندان برقی و حمیری بودند که میراث حدیثی پدران را نسل به نسل منتقل کردند. بنابراین احادیث پایگاه یافته در قم توسط محدثان سختگیر قمی تثبیت و دسته‌بندی شد یا گاه استادانی مانند ابن‌ولید آنها را ویرایش و جرح و تعدیل کردند.

• منابع

۱. ابطحی، محمدعلی (۱۴۱۷ق). *تهذیب المقال*، قم: چاپخانه نگارش.
۲. ابن‌اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن (۱۳۲۰ش). *تاریخ طبرستان*، تحقیق عباس اقبال، تهران: کلاله خاور.
۳. ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی (۱۹۵۶م). *مناقب آل‌ابی‌طالب*، النجف الأشرف: مكتبة الحیدریة.
۴. ابن‌عنبه، احمد بن علی بن حسین (۱۹۶۱م). *عمدة الطالب فی انساب آل‌ابی‌طالب*، نجف: مطبعة الحیدریة.
۵. ابن‌غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰ش). *الرجال*، تحقیق محمدرضا جلالی، قم: دار الحدیث.
۶. ابن‌طاووس، علی بن موسی (بی‌تا). *فَلاحُ السَّائلِ وَ نَجاحُ الْمَسائِلِ فی عَمَلِ الْیومِ وَ اللَّیْلِ*، بی‌جا: بی‌نا.

٧. _____ (١٤١٦ق). *إقبال الأعمال*، تحقیق جواد قیومی، قم: مکتب الإعلام الإسلامي.
٨. ابن عیاش جوهری، احمد بن محمد (بی‌تا). *مُقْتَصَبُ الْأَثَرِ فِي النَّصِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْإِثْنِي عَشَر*، قم: مکتبۃ الطباطبائی.
٩. ابن قولویه، جعفر بن محمد (١٤١٧ق). *کامل الزیارات*، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر فقاہت.
١٠. ابن ملقن، ابو حفص عمر بنعلی مصری (١٩٩٤م). *طبقات الأولیاء*، قاہرہ: مکتبۃ الخانجی.
١١. ابو نعیم اصفہانی، احمد بن عبداللہ (١٤٠٩ق). *حلیۃ الأولیاء و طبقات الأصفياء*، بیروت: دار الکتب العلمیۃ.
١٢. بلاذری، احمد بن یحیی (بی‌تا). *فتوح البلدان*، تحقیق صلاح منجد، قاہرہ: المکتبۃ النهضة المصریۃ.
١٣. بیہقی، احمد بن حسین بن علی (بی‌تا). *السنن الکبری*، بیروت: دار الفکر.
١٤. حکیم، حسن عیسی (١٤٣٥ق). *الشیخ النجاشی: دراسة فی السیرة و العقیدة*، کربلا: أمانة العامة للعتبة الحسینیة المقدسة.
١٥. خزاز قمی، ابوالقاسم علی بن محمد (١٤٠١ق). *کفایۃ الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام*، تحقیق حسینی کوه کمره ای، قم: بیدار.
١٦. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت (١٤١٧ق). *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عطا، بیروت: دار الکتب العلمیۃ.
١٧. دارقطنی، علی بن عمر (٢٠٠٤م). *السنن*، بیروت: الرسالة.
١٨. زرباطی، سیدحسین (١٤١٧ق). *الجريدة فی أصول أنساب العلویین*، اصفهان: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (علیهم السلام).
١٩. سمعانی، عبدالکریم (١٩٨٨م). *الانساب*، تحقیق عبداللہ عمر بارودی، بیروت: دار الجنان.
٢٠. صدوق، محمد بن علی (١٣٦٢ش). *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین حوزة علمیه.
٢١. _____ (١٩٩٢م). *فضائل الأشهر الثلاثة*، تحقیق غلامرضا عرفانیان، بیروت: دار المحجة البيضاء.
٢٢. _____ (١٤٠٤ق). *عیون اخبار الرضا*، تحقیق حسین اعلمی، بیروت: مؤسسة اعلمی.

۲۳. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۶۳ش). *الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار*، تحقیق حسن موسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. _____ (۱۴۱۱ق). *الغیبة*، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۲۵. _____ (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، قم: دارالثقافة.
۲۶. _____ (۱۴۱۷ق). *الفهرست*، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۷. _____ (۱۴۱۵ق). *الرجال*، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۸. عمادی حائری، محمد (۱۳۹۷ش). تفسیر یک قصیده، تشخیص یک مزار؛ (سفرنامه ی منظوم حسن بن حمزه ی طبری به طوس و مزار پدرش ابوالقاسم در مامطیر)، *آینه میراث*، ۱۶ (۶۲)، صص ۱۳۱-۱۴۸.
۲۹. غضائری، حسین بن عبیدالله (۱۳۹۹ق). *شرح تکملة رسالة أبي غالب الزراري في آل أعین*، تحقیق محمدعلی موحد اصفهانی، اصفهان: مطبعة ربانی.
۳۰. غلامعلی، مهدی؛ صفری، محمدهادی؛ مسجدی، حیدر (۱۴۰۳ش) بازشناسی شخصیت «حسن بن حمزه» و نقش وی در فرآیند انتقال میراث حدیثی قم به بغداد، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۲۱ (۲)، صص ۷۷-۱۰۶.
- DOI: 10.22051/tqh.2023.42275.3920
۳۱. فرجامی، اعظم؛ عسگری، انسیه (۱۳۹۹ش). تأثیر ابن قولویه بر انتقال حدیث قم به بغداد (با تکیه بر الرجال نجاشی و الفهرست طوسی)، *پژوهش های قرآن و حدیث*، ۵۳ (۱)، صص ۹۵-۱۱۶.
- DOI: [10.22059/jqst.2020.295762.669453](https://doi.org/10.22059/jqst.2020.295762.669453)
۳۲. فرجامی، اعظم؛ مهدیان مهر، خدیجه؛ رحمتی، زهرا (۱۴۰۰ش). تأثیر «حمید بن زیاد» بر انتقال حدیث راویان کوفی با تکیه بر الرجال نجاشی و الفهرست طوسی، *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۵ (۱)، صص ۱۳۶-۱۰۷.
- DOI: [10.30497/qhs.2021.239024.3048](https://doi.org/10.30497/qhs.2021.239024.3048)
۳۳. کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۴ق). *الرجال*، تحقیق مهدی رجایی، قم: مطبعة بعثت.
۳۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳ش). *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۵. مفید، محمدبن محمد (۱۹۹۳ م). *الامالی*، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمفید.
۳۶. مفید، عباس؛ حسینی شیرازی، سید علیرضا (۱۳۹۸ ش). فعالیت فرهنگی فطحیه در انتقال حدیث امامیه (نمونه موردی بنوفضال)، *مطالعات اعتبارسنجی حدیث*، (۱۱)، صص ۶۱-۸۳.
۳۷. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۱۶ ق). *فهرست اسماء مصنفی الشیعة معروف به رجال نجاشی*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۸. نعمانی، ابوعبدالله محمدبن ابراهیم (۱۴۲۲ ق). *الغیبة*، تحقیق فارس حسون، قم: انوار الهدی.
۳۹. نعمتی، فرهاد؛ احمدوند، عباس؛ حاجی تقی، محمد (۱۴۰۰ ش). تأثیر مکتب حدیثی کوفه در میراث روایی اشعریان قم تا قرن چهارم هجری، *پژوهش های قرآن و حدیث*، (۱)۵۴، صص ۲۴۱-۲۵۹. DOI: [10.22059/jqst.2021.323666.669754](https://doi.org/10.22059/jqst.2021.323666.669754)

References

The Holy Quran

1. Abṭaḥī, Muḥammad ‘Alī (1417 AH), *Tahdhīb al-Maqāl*, Qom: Nigāresh Press. [In Persian]
2. Ibn Isfandiyār (1320 SH), *Tārīkh-e Ṭabaristān*, ed. ‘Abbās Iqbāl, Tehran: Kalāla-ye Khāwar. [In Persian]
3. Ibn Shahrāshūb (1956 CE), *Manāqib Āl Abī Ṭālib*, Najaf al-ashraf: Maktabata -al- Ḥaydariyya. [In Arabic]
4. Ibn ‘Anba (1961 CE), *Umdat al-Ṭālib*, Najaf: Maktabata -al- Ḥaydariyya. [In Arabic]
5. Ibn al-Ghaḍā’irī (1380 SH), *al-Rijāl*, ed. Muḥammad Riḍā Jalālī, Qom: Dār al-Ḥadīth.
6. Ibn Ṭāwūs (n.d.), *Falāḥ al-Sā’il*, n.p. [In Arabic]
7. _____ (1416 AH), *Iqbāl al-A’māl*, ed. Jawād Qayyūmī, n.p.: Maktabata al-I’lām al-Islāmī. [In Arabic]
8. Ibn Qūlawayh (1417 AH), *Kāmil al-Ziyārāt*, ed. Jawād Qayyūmī, Qom: Nashr-e Fiḳāhat. [In Arabic]
9. Ibn al-Malqan (1994 CE), *Ṭabaqāt al-Awliyā’*, Cairo: al-Khānjī Library. [In Arabic]
10. Aḥmad ibn ‘Iyāsh al-Jawharī (n.d.), *Muqtaḍab al-Athar*, Qom: al-Ṭabāṭabā’ī Library. [In Arabic]
11. al-Balādhurī (n.d.), *Futūḥ al-Buldān*, ed. Ṣalāḥ al-Munajjid, Cairo: al-Nahḍa al-Miṣriyya. [In Arabic]
12. al-Bayhaqī (n.d.), *al-Sunan al-Kubrā*, Beirut: Dār al-Fikr. [In Arabic]
13. Ḥasan ‘Īsā al-Ḥākim (1435 AH), *al-Shaykh al-Najāshī: Dirāsa fī al-Sīra wa al-Aqīda*, Karbala: al-‘Ataba al-Ḥusayniyya. [In Arabic]
14. al-Khazzāz al-Qummī (1401 AH), *Kifāyat al-Athar*, ed. Ḥusaynī Kūh Kamara-ī, Qom: Bidār. [In Arabic]
15. al-Khaṭīb al-Baghdādī (1417 AH), *Tārīkh Baghdād*, ed. Muṣṭafā ‘Aṭā, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya. [In Arabic]
16. al-Dāraquṭnī (2004 CE), *al-Sunan*, Beirut: al-Risāla. [In Arabic]
17. al-Zarbātī, Sayyid Ḥusayn (1417 AH), *al-Jarīda fī Uṣūl Ansāb al-‘Alawiyyīn*, Isfahan: Ahl al-Bayt Research Foundation. [In Arabic]
18. al-Sam‘ānī (1988 CE), *al-Ansāb*, ed. ‘Abd Allāh ‘Umar al-Bārūdī, Beirut: Dār al-Jinān. [In Arabic]

19. al-Ṣadūq, Muḥammad ibn ‘Alī (1362 SH), *al-Khiṣāl*, ed. ‘Alī Akbar Ghaffārī, Qom: Islamic Seminary Teachers Association. [In Arabic]
20. _____ (1992 CE), *Faḍā’il al-Ashhur al-Thalātha*, ed. Ghulām Riḍā ‘Irfāniyān, Beirut: Dār al-Maḥajja al-Bayḍā’. [In Arabic]
21. _____ (1404 AH), *‘Uyūn Akhbār al-Riḍā*, ed. Ḥusayn A‘lamī, Beirut: A‘lamī Foundation.
22. al-Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1363 SH), *al-Istibṣār*, ed. Ḥasan Mūsawī Khurāsān, 4th ed., Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [In Arabic]
23. _____ (1411 AH), *al-Ghayba*, Qom: Ma‘ārif Islāmī Foundation. [In Arabic]
24. _____ (1414 AH), *al-Amālī*, Qom: Dār al-Thaqāfa. [In Arabic]
25. _____ (1417 AH), *al-Fihrist*, ed. Jawād Qayyūmī, Qom: Nashr al-Islāmī Foundation. [In Arabic]
26. _____ (1415 AH), *al-Rijāl*, ed. Jawād Qayyūmī, Qom: Nashr al-Islāmī Foundation. [In Arabic]
27. Emadi-Haeri Sayyed Muhammad, (1397 SH), “*The interpretation of a qasideh (ode) and the identification of a grave*” (*Versified account of Hasan b. Hamzehye Tabari’s travel to Tūs visiting the grave of his father Abū alQāsem, in Māmatir*), *Āyena-ye Mirāth*, No. 62, Shahrivar 1397. [In Persian]
28. al-Ghaḍā’irī, Ḥusayn ibn ‘Ubayd Allāh (1399 AH), *Sharḥ Takmilat Risālat Abī Ghālib al-Zurārī fī Āl A‘yan*, ed. Muḥammad ‘Alī Mowahḥid Iṣfahānī, Rabbānī Press. [In Arabic]
29. Safari, M. H., Gholam Ali, M. and Masjedi, H. (2024). Recognizing the personality of "Hasan bin Hamzah" and his role in the process of transferring the hadith heritage of Qom to Baghdad. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 21(2), 77-106. doi: 10.22051/tqh.2023.42275.3920 [In Persian]
30. farjami, A. and asgari, E. (2020). The Influence of ibn Qūliwayh on Transmitting Hadith from Qom to Baghdad (Based on Najāshī’s *Al-Rijāl* and Ṭūsī’s *Al-Fehrest*). *Quranic Sciences and Tradition*, 53(1), 95-116. doi: 10.22059/jqst.2020.295762.669453[In Persian]

31. Farjami, A., Mahdian Mehr, K. and Rahmati, Z. (2021). The Effect of "Homaid Ibn Ziyad" on the Transmission of the Hadith of the Kufi Narrators Relying on the Rijal of Najashi and the list of Tusi. *Quran and Hadith Studies*, 15(1), 107-136. doi: 10.304 97/qhs.2021.239024.3048 [In Persian]
32. al-Kashshī (1404 AH), *al-Rijāl*, ed. Mahdī Rajā'ī, Qom: Ba'th Press. [In Arabic]
33. al-Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb (1363 SH), *al-Kāfī*, ed. 'Alī Akbar Ghaffārī, 5th ed., Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [In Arabic]
34. al-Mufid, Muḥammad ibn Muḥammad (1993 CE), *al-Amālī*, ed. 'Alī Akbar Ghaffārī, Beirut: Dār al-Mufid. [In Arabic]
35. mofid, O. and Hosseini Shirazi, S. A. (2019). Cultural activities of Fathieh regarding the narration of the Shi'a traditions; the case of Banufaḍal., *I*(1), 61-84. [In Persian]
36. al-Najāshī (1416 AH), *al-Rijāl*, Qom: Nashr al-Islāmī Foundation. [In Arabic]
37. al-Nu'mānī, Abu Abdullah Muhammad ibn Ibrahim (1422 AH), *al-Ghayba*, ed. Fāris Ḥassūn, Anwār al-Hudā. [In Arabic]
38. Nemati, F., Ahmadvand, A. and hajitaghi, M. (2021). The Impact of Kufi Hadith School on Narrative Heritage of Qom Ash'arites until the Fourth Century AH. *Quranic Sciences and Tradition*, 54(1), 259-241. doi: 10.22059/jqst.2021.323666.669754 [In Persian]